

صلح پیروزی است: مروری بر پروسه صلح و مصالحه
میان حکومت افغانستان و حزب اسلامی

مشتاق محمد رحیم

معلومات مختصر در مورد نویسنده

آقای مشتاق محمد رحیم کارشناس افغان صلح و امنیت بوده که طی شانزده سال گذشته در بخش اصلاحات سکنور امنیتی، مدیریت منازعه و اعمار صلح کار کرده است. آقای رحیم برای چهار سال در مؤسسه بین المللی پاملرنه و بعدتر در اداره انکشافی ملل متحد ایفای وظیفه نموده که مسؤلیت رهبری و تطبیق انکشاف برنامه های جلوگیری بحران و بازسازی را به عهده داشته است. در این اواخر، منجیت معاون ارشد دارالانشای پروسه صلح و مصالحه ملی در شورای عالی صلح کار کرده و عضویت هیئت اجراییه این شورا را نیز داشته است. آقای رحیم ماستری خویش را در اداره تجارت از پوهنتون پریتون در پاکستان و ماستری دیگر خویش را در منازعه، صلح و امنیت از مرکز بین المللی آموزشی کوفی عنان در گانا بدست آورده است. نامبرده در برنامه های آموزشی و ورکشاپهای متعدد مجمع های متخصصین بین المللی در خصوص بازسازی پسانازعه، برنامه های انکشافی و تحول منازعه اشتراک نموده است. آقای رحیم منجیت استاد دیپارتمنت روابط بین المللی در پوهنتون کاردان مصروف تدریس میباشد. وی همچنان دو مقاله علمی را در مورد اصلاحات پولیس در رابطه به پولیس مردمی (Community Policing) در افغانستان مشترکاً با نویسنده دیگر به رشته تحریر در آورده است. همچنان وی مقالات متعددی را در مورد منازعه افغانستان در مجلات و روزنامه های ملی و بین المللی به نشر رسانیده است. آقای رحیم به صورت منظم در رسانه های ملی و بین المللی در مورد سیاست و امنیت منطقه و جهان نظریات کارشناسانه خویش را ابراز مینماید.

در مورد این سلسله

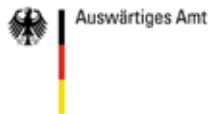
این گزارش در قالب چارچوب سلسله انتقالی برگوف به نشر میرسد. این سلسله در سال ۲۰۰۸ آغاز گردیده و شامل گزارشات تحقیقی در چارچوب پروژه مطالعاتی "انتقال به سیاست از تحریک ها مقاومت/آزادی: ایجاد شبکه تجارب" میباشد. این سلسله ای از انتشارات برای کارشناسان محلی که در سابق و یا در حال حاضر در تمام جهان در پروسه های تحول منازعه دخیل بوده اند، زمینه لازم را فراهم مینماید تا تجارب خویش را از طریق تحریر گزارشات منعکس سازند. باوجود اینکه تمام نظریات ارائه شده به خود نویسندگان و سهمگیرنده گان ارتباط دارد و منعکس کننده نظریات بنیاد برگوف نمیشد، اما بنیاد برگوف خواسته است تا از این طریق برای آینده از فعالینی که در تحول منازعه نقش پیشتازی داشته اند زمینه انعکاس نظریات خویش را فراهم نماید. باوجود اینکه نوعیت منازعه در هر چارچوب منحصر به فرد میباشد، اما قویاً به این باور هستیم که چنین دانش مبتنی بر تجربه میتواند برای کسانی که در تمام جهان در اعمار صلح دخیل هستند زمینه آموزش را فراهم نموده تا از شکست ها و موفقیت های هم مسلکان خویش در قالب های مختلفه که در این سلسله به نشر میرسد، تجربه آموخته و درس گیرند.

Mushtaq Muhammad Rahim: Peace Prevails: A Review of the Process to Peace and Reconciliation between the Afghan Government and Hizb-e Islami. Berghof Transitions Series No. 13.

© Berghof Foundation 2018. All rights reserved.

Acknowledgements

The project and this report were made possible by funding from the German Federal Foreign Office.



Copies can be ordered from:

Berghof Foundation

Corrensstr. 12

D-72076 Tübingen, Germany

<http://www.berghof-foundation.org/>

order@berghof-foundation.org

فهرست مطالب

1.....	خلاصه گزارش
2.....	1. مقدمه
3.....	2. مروری بر منازعه افغانستان
3.....	2.1 تحولات منازعه افغانستان
4.....	2.2 نقش حزب اسلامی
5.....	3. پس منظر پروسه صلح و مرحله قبل از مذاکرات
5.....	3.1. ایجاد اجندای صلح
7.....	3.2. عوامل مساعد کننده
8.....	3.3. توقعات
9.....	4. مذاکرات صلح و نتایج آن
9.....	4.1. ترکیب و ظرفیت تیم های مذاکره کننده
11.....	4.2. مذاکرات صلح و تسوید توافقنامه صلح
12.....	4.3. مشوره ها با جامعه مدنی و احزاب سیاسی جدیدالظهور
12.....	4.4. محتویات توافقنامه صلح
14.....	5. تطبیق توافقنامه صلح
14.....	5.1. ساختار تشکیلاتی
14.....	5.2. تطبیق توافقنامه
16.....	6. نتیجه گیری
19.....	مآخدها و منابع
20.....	مصاحبه شونده گان
21.....	ضمیمه اول: متن توافقنامه دولت جمهوری اسلامی افغانستان با حزب اسلامی

خلاصه گزارش

این گزارش تلاشهای صلح و مصالحه دولت افغانستان با حزب اسلامی را مورد تحلیل و بررسی قرار میدهد. عوامل میسر کننده و محدودیت ها را شناسایی نموده، توافقات بدست آمده و تطبیق آنها و همچنان تجارب بدست آمده را که میتواند در مذاکرات صلح در آینده از آن استفاده بعمل آید، مورد تحلیل قرار داده است. حزب اسلامی منحصیث یک حزب در سالهای دهه ۱۹۷۰ به هدف ایجاد حکومت اسلامی تأسیس گردیده است. حزب اسلامی منحصیث یک گروه اصلی جهادی در مراحل مختلفه منازعه- چون مبارزه با نیروهای متجاوز اتحاد جماهیر شوروی و رژیم تحت الحمایه آن در سالهای ۱۹۸۰، جنگ داخلی در سالهای ۱۹۹۰، جنگ با طالبان جهت کنترل مناطق و بعد از سال ۲۰۰۱ و سقوط رژیم طالبان در جنگ با حکومت افغانستان و نیروهای بین المللی حمایت کننده آن- نقش داشته است.

در سال ۲۰۰۹ حکومت افغانستان متعهد گردید که با گروه های مخالف مسلح وارد پروسه صلح و مذاکرات میگردد. به اساس این تعهد حکومت افغانستان با مخالفین مسلح وارد مرحله قبل از مذاکرات چندین ساله شده که متعاقباً منجر به مذاکرات رسمی گردید. بالاخره در سپتمبر سال ۲۰۱۶ توافق صلح حزب اسلامی افغانستان میان حکومت افغانستان که شورای عالی صلح از آن نمایندگی میکرد امضا گردیده و از حمایت کامل رهبران سیاسی ملی و جامعه بین المللی برخوردار گردید. در این گزارش تحلیلی تمام آن مواردی که زمینه ساز پروسه صلح به شمول نقش حزب اسلامی در کابل و اعلام خروج نیروهای امریکایی از افغانستان که به اساس آن گروه مذکور صلح را نسبت به مخالفت مسلحانه اولویت داد، مورد بحث قرار گرفته و همچنان نشان میدهد که قدرت روز افزون طالبان چگونه توانست رهبری حزب اسلامی را وا دارد تا از موقع استفاده نموده و قبل از اینکه پروسه صلح دولت افغانستان با طالبان از اهمیت این گروه بکاهد، با دولت افغانستان توافق صلح را امضا نماید.

بدبختانه، عدم موجودیت مشوره های فراگیر و مهارتهای تخنیکی در زمینه نحو پیشبرد مذاکرات و مشخصات مربوطه آن مشکلات جدی را برای توافق صلح به خصوص در زمینه تطبیق سیاسی و تخنیکی آن ایجاد کرد. مذاکرات صلح با گروه بیشتر بزرگ و بیشتر مغلق طالبان نیاز به مذاکرات مسلکی و حرفوی دارد که شامل تهیه استراتژی و پالیسی، داشتن مشاورین تخنیکی و نهادهای مستقل برای نظارت از تطبیق توافقات و راه اندازی برنامه های استراتژیک روابط عامه، میباشد.

1 مقدمه

در سپتامبر ۲۰۱۶، مردم افغانستان شاهد امضای نخستین توافقنامه صلح در مورد منازعه چهار ساله ای که مردم کشور را به ستوه آورده است، بودند. حکومت افغانستان و حزب اسلامی (حزب اسلامی افغانستان) یکی از گروه های اصلی که با نیروهای بین المللی از سال ۲۰۰۱ بدینسو در مخالفت مسلحانه قرار داشت در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ وارد مذاکرات صلح گردید. قبل از اینکه حزب اسلامی با دولت افغانستان توافق نماید تا مبارزه مسلحانه را ترک نماید و دولت افغانستان زمینه داخل شدن آنها را در روند سیاسی مهیا سازد، طرفین از یک پروسه مذاکراتی جدی گذشتند.

با در نظر داشت اینکه پروسه صلح و تطبیق آن در نوع خود در افغانستان بی نظیر بود، مستندسازی این پروسه، شناسایی نکات قوت و ضعف و منعکس سازی روشهای مبتکرانه حائز اهمیت بوده و میتواند در آینده در عین پروسه ها از آن استفاده بعمل آید. این گزارش روی واقعات مهم، فعالیتهای مربوطه، ابتکارات و نقاط عطف تمرکز دارد. از آنجاییکه دولت افغانستان خواستار صلح با سائر گروه ها به خصوص طالبان میباشد، مهم است بدانیم که کدام تجارب بدست آمده از پروسه صلح و مذاکرات با حزب اسلامی میتواند در تلاشهای آینده صلح و مصالحه مورد استفاده قرار گیرد.

این گزارش به اساس مصاحبه ها با ۱۷ تن تهیه گردیده است. مصاحبه شونده گان اصلی را اعضای تیم های مذاکره کننده طرفین، رهبران سطح عالی و متوسط دولت که در مراحل مختلفه مذاکرات اشتراک داشته اند، نمایندگان حزب اسلامی و اعضای شورای عالی صلح تشکیل میدهند. ضمناً با رهبران کلیدی دولت که از تلاشهای پروسه صلح و مذاکرات با حزب اسلامی حمایت کرده اند و همچنان رهبری حزب اسلامی که زمینه ساز مذاکرات صلح شدند نیز مصاحبه صورت گرفته است. معلومات از اعضای جامعه جهانی که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در پروسه صلح افغانستان دخیل بودند و همچنان نمایندگان جامعه مدنی نیز جمع آوری گردیده است. بر علاوه مصاحبه های نیمه ساختاری که شامل مجموعه ای از سوالات رهنمودی بود، برای تهیه این گزارش از منابع ثانوی نیز استفاده بعمل آمده است. گزارشات و مقالات مختلفه نیز مورد مذاقه قرار گرفتند تا تمام آن مواردی را که زمینه ساز شرایط لازم برای دولت افغانستان و حزب اسلامی جهت رسیدن به توافق صلح گردیدند را مورد تحلیل و بررسی عمیق قرار داده است.

این گزارش علاوه بر مقدمه به چهار بخش عمده تقسیم گردیده است. در بخش اول مقدمه، در بخش دوم روی تحولات و تغییرات منازعه در افغانستان، ظهور و تکوین حزب اسلامی، بخش سوم تلاشهای صلح و مصالحه قبل از ورود حزب اسلامی به مذاکرات مستقیم، تماس های دولت افغانستان با حزب اسلامی، عوامل و توقعاتی که طرفین را وا داشت به حل مسالمت آمیز رو آورند و در بخش چهارم تحلیل ظرفیت تیم های مذاکراتی، پیچیدگی های پروسه، محدودیت ها و همچنان عوامل تسهیل کننده موفقیت مذاکرات، در بخش پنجم مروری بر موارد عدم تطبیق شده توافق صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی، بحث های همه جانبه صورت گرفته است. در اخیر گزارش با فهرستی از تجارب بدست آمده از یافته های این گزارش تحقیقی پایان می یابد.

2 مروری بر منازعه افغانستان

در این بخش مراحل و شرکای اصلی منازعه افغانستان مورد بحث قرار گرفته و بعداً به تفصیل روی ظهور حزب اسلامی و موقف آن در منازعه افغانستان تمرکز صورت میگیرد.

2.1 تحولات منازعه افغانستان

افغانستان در چهار دهه اخیر دچار منازعه بوده که دارای مراحل مختلفی میباشد: در سال ۱۹۷۳ منازعه مسلحانه زمانی آغاز گردید که محمد داود خان شاه آنوقت را از قدرت خلع نموده و نظام جمهوری را تأسیس نمود. قبل از آن گروه های مختلفی تلاش ورزیدند تا نظام های سیاسی الهام یافته از اسلام یا مائویست/لیننست/کمونیستی را ایجاد کنند. حکومت جدید دموکراتیک داود خان سرکوب این تحریکها را آغاز و رهبران متعدد آنها را بازداشت کرد اما بسیاری از رهبران این گروه ها توانستند به کشورهای همسایه فرار کنند.

در سال ۱۹۷۸ حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی یک کودتاه خونین علیه داودخان با کشتن او و خانواده اش قدرت را بدست گرفت. رژیم جدید تطبیق اجندهای سوسیالیستی را آغاز نموده که در نتیجه آن نیز بسیاری از مردم به پاکستان و ایران مهاجر شدند. زمانیکه در دسامبر سال ۱۹۷۹ قشون سرخ اتحاد جماهیری شوروی افغانستان را مورد تجاوز قرار داد، تعداد مهاجرین افغان به کشورهای همسایه به صورت قابل ملاحظه افزایش یافت.

تجاوز شوروی، زمینه را برای مقاومت علیه رژیم و متجاوزین مساعد ساخت. در جریان دهه ۱۹۸۰ تعداد زیادی از جنگجویان بسیج یافتند. نخبگان دینی (علما) و نخبگان سیاسی مخالف (احزاب اسلامی، مائویست ها و غیره) تصمیم گرفتند که به شکل فعالانه در مقابل رژیمی که مورد تنفرشان قرار داشت و اقدامات ابتدایی سرکوب گرایانه در مقابل خویش را منحنی یک تهدید جدی تلقی میکردند، وارد عمل شوند. (گیستوزی و ابراهیمی ۲۰۱۰). حرکت های جهادی مورد حمایت آیالات متحده، کشورهای عربی و رهنمایی اردوی پاکستان قرار گرفتند^۱. این مقاومت مسلحانه بالاخره اتحاد شوروی را به خروج از افغانستان طی امضای توافقات ژنیو در سال ۱۹۸۸ مجبور ساخت. در سال ۱۹۹۲ رژیم کمونیستی به سقوط مواجه شد.

بعد از آن گروه های مجاهدین با شرکت در قدرت توافق کردند. مگر نتوانستند برای مدت طولانی با هم یکجا کار کنند و به همین ترتیب جنگ های گروهی میان گروه های مختلف مجاهدین به یک جنگ داخلی بزرگ در تمام کشور مبدل گردید. الی اواخر سال ۱۹۹۴ و ظهور طالبان، افغانستان در معرض تفرقه قرار گرفته بود (رشید ۲۰۱۰). تحریک جدید طالبان که هدف آنرا از بین بردن ملیشه های شرافکن تشکیل میداد، تقریباً تمام کشور را تسخیر نموده و مقاومت ها در مقابل خویش را به آسانی از میان برداشتند. در زمان حمله ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ در امریکا، طالبان مصروف جنگ برای تسخیر یک منطقه کوچک در شمال افغانستان بودند. به تاریخ ۷ اکتوبر، رئیس جمهور آیالات متحده جورج بوش پلانی را منظور کرد که چون طالبان نمیخواهند به خواسته امریکا جهت اخراج رهبری القاعده که مسئولیت حمله مذکور را داشتند، تمکین نمیکند، پس در یک کمپاین شدید تمام تأسیسات طالبان مورد بمباران قرار گیرد (بیرد و الیکس ۲۰۱۱).

بعد از اینکه طالبان در نومبر سال ۲۰۰۱ مجبور به ترک کابل گردیدند، سازمان ملل متحد یک کنفرانس رسمی را در بُن آلمان راه اندازی کرد تا یک حکومت مؤقت را تأسیس کنند. در این کنفرانس به طالبان اجازه اشتراک داده نشد (ستیف کول

^۱ کانگرس امریکا بودجه سالانه بی را برای سازمان استخباراتی مرکزی امریکا (سی. آی. ای) جهت حمایت برنامه افغانستان منظور کرد. خانواده سلطنتی عربستان سعود و رئیس جمهور ریگن طی یک توافق این برنامه علیه کمونست ها طرح گردیده بود این توافق میان واشنگتن و ریاض طوری بمیان آمد که جانب سعودی توافق کرد تا در مقابل هر دالر سی آی ای یک دالر بپردازد. (ستیف کول ۲۰۰۴)

۲۰۱۸). جامعه جهانی فکر کرد که گروه مذکور از طریق نظامی محور گردیده و مستحق مشارکت در یک پروسه سیاسی بنا بر داشتن روابط با القاعده نمی باشند. اما طالبان به زودی مقاومت مسلحانه خویش را در مقابل نیروهای بین المللی آغاز کرده، امنیت و ثبات افغانستان را به چالش کشیدند.

2.2 نقش حزب اسلامی

حزب اسلامی افغانستان بازیگر کلیدی منازعه افغانستان بوده است. این حزب مفکوره، تشکیلات و ترکیب خویش را از نهضت جوانان مسلمان افغانستان، که گروهی از اساتید و محصلین پوهنتون کابل بودند و در سال ۱۹۶۹ تأسیس گردیده بود به ارث برده است. نهضت جوانان مسلمان افغانستان یک نهضت بدیل برای حرکات مارکسیستی و ماویستی بود که فعالیت های ضد شاهی را در داخل پوهنتون و در شهر کابل رهبری میکردند (جانسن ۲۰۱۸). حزب اسلامی اساس خویش را با الهام گیری از حزب اخوان المسلمین مصر که هدف آن ایجاد اسلام سیاسی و خلافت اسلامی بود، بیناگذاری نموده است.

این حزب توسط گلبدین حکمتیار تأسیس گردیده که در مراحل نخست در مقابل حکومت وقت یکجا با سائر افغانهای شناخته شده با مخالفت و مبارزه پرداخته و بعداً گروه مجزای خود را تشکیل داد. بعد از تجاوز اتحاد شوروی، حزب اسلامی مبارزه مسلحانه خویش را تشدید نموده و از جمله دو تنظیم برجسته ای که با رژیم تحت الحمایه شوروی میجنگید، محسوب گردید. در آن زمان، باورمندی بر این بود که حزب اسلامی بخش بزرگی از حمایت های سیاسی و مالی آیالات متحده و کشورهای خلیج را نسبت به سائر تنظیم ها و گروه های دیگر دریافت میکرد. بعد از خروج نیروهای شوروی، حزب اسلامی به مبارزه مسلحانه خویش در مقابل حکومت کابل تحت رهبری دکتور نجیب الله ادامه داد.

گروه مذکور بازیگر کلیدی جنگ داخلی بعد از سقوط حکومت کمونیستی داکتر نجیب الله بود. حزب اسلامی با جمعیت اسلامی از زمان نخستین روز های جهاد منحنی رقیب اصلی خویش در گیر جنگهای شدید بوده و بعدتر برای کنترل کابل نیز شدیداً درگیر گردیدند. بعداً با طالبان نیز که از جنوب افغانستان ظهور نمود وارد جنگ مسلحانه گردید. حزب اسلامی بعداً با جمعیت اسلامی همدست گردیده تا طالبان را از غلبه بر کشور مانع شوند.

مرحله سوم منازعه مسلحانه حزب اسلامی را جنگ این گروه در مقابل نیروهای معاونت بین المللی یا آیساف و حکومت موقت افغانستان که به اساس توافق بُن در سال ۲۰۰۱ تشکیل گردیده بود تشکیل میدهد. هدف حزب اسلامی را مبارزه مسلحانه مقابل نیروهای بین المللی و نیروهای متحد افغان آن الی خروج مکمل نیروهای بین المللی تشکیل میداد. با وجود حضور قوی حزب اسلامی در بعضی از مناطق شرقی، برخی از مناطق شمال و مرکزی افغانستان، حزب اسلامی هیچگاهی نتوانست به تهدید بزرگی چون طالبان مبدل گردد. طالبان گروه مسلح مخالف بزرگی را در کشور تشکیل میدهد. حزب اسلامی و حکمتیار در چهل سال منازعه افغانستان بازیگر مهمی بوده اند زیرا این گروه توانست ساختار سازمانی، سلسله مراتب و مؤثریت سیاسی-نظامی خویش را در طول این دوره حفظ کند. حکمتیار یک شخصیت کریزماتیک بوده و پیروانش او را باوجود تصامیم مستبدانه وی مانند پیوستن به پروسه صلح و مصالحه با دولت افغانستان بعد از اینکه ۱۵ سال با حکومت مذکور در مخالفت مسلحانه قرار داشتند، حمایت مینماید. باوجود اینکه در مراحل اخیر مخالفت مسلحانه، حزب اسلامی از نظر نظامی آنقدر قدرتمند نبود، اما رسیدن به یک توافق مؤفانه صلح با دولت افغانستان از جمله رویدادهای مهم تاریخ افغانستان به شمار میرود.

3 پس منظر پروسه صلح و مرحله قبل از مذاکرات

3.1 ایجاد اجندای صلح

جامعه جهانی فکر میکرد که گویا بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ و ایجاد ساختار جدید حکومتی، آنها توانسته اند تمام گروه های مسلح مخالف در افغانستان را از میان برده اند. به همین ملحوظ آنها تلاش کردند که ظرفیت های نظامی و اداری مؤسسات و ادارات دولتی را تقویت بخشیده اما با هیچ یک از گروه های مخالف مسلح در بُن و بعدتر از آن برای حل و فصل منازعه وارد عمل نشد. در عین حال مخالفین مسلح به مبارزه مسلحانه ادامه داده و به صورت تدریجی قدرت نظامی آنها افزایش یافته و تأثیرات قابل ملاحظه ای را از طریق جنگ چریکی به جا گذاشتند. باوجود افزایش قدرت نظامی و تحرکیت مخالفین مسلح، نه حکومت های بیهم (حکومت مؤقت و انتقالی) و نه هم جامعه جهانی به این حقیقت پی بردند که مخالفین مسلح را از طریق یک راه حل سیاسی وارد پروسه سیاسی نمایند.

حامد کرزی، بعد از رهبری حکومت مؤقت و انتخاب شان منحیث رئیس جمهور منتخب در سال ۲۰۰۴ به زودی نیاز به یک پروسه صلح و مصالحه را درک کرده و یک برنامه ای را تحت ریاست رئیس جمهوری اسبق صبغت الله مجددی در ۲۰۰۵ راه اندازی نمود. برنامه "تحکیم صلح" به ناکامی انجامید. با آنکه ادعا میشود که این برنامه در بعضی از ولایات کشور به موفقیت های دست یافته است، مگر نسبت عدم داشتن یک چارچوب ملی، به یک کمیسیون حل منازعات محلی مبدل گردید (شورای امنیت ملل متحد ۲۰۱۲). بسیاری از ناظرین این برنامه را یک رشوت سیاسی آقای کرزی برای جلب حمایت هواخواهان آقای مجددی تلقی میکنند.

پروسه صلح و مصالحه زمانی به یکی از اولویت های ملی مبدل گردید که آقای حامد کرزی برای بار دوم در سال ۲۰۰۹ منحیث رئیس جمهور کشور انتخاب گردید. در بیانیه افتتاحیه خویش، آقای کرزی (۲۰۰۹) اراده خویش برای پیشبرد پروسه صلح و مصالحه اعلام داشت. در جون ۲۰۱۰ یک جرگه ملی مشورتی صلح از اجندای صلح و مصالحه ملی آقای کرزی حمایت خویش را اعلام نمود (نماینده دایمی جمهوری اسلامی افغانستان در ملل متحد ۲۰۱۰).

جرگه ملی مشورتی صلح با ۱۶۰۰ تن از نمایندگان مردم افغانستان از هر قشر جامعه که از ملت رنجیده افغانستان نمایندگی میکرد و مشتمل بر اعضای مجلسین شورای ملی، اعضای شوراهای ولایتی، علماء، بزرگان قومی، نمایندگان جامعه مدنی و مهاجرین افغان مقیم در ایران و پاکستان (مجموعاً ۱۳ کتگوری از دعوت شوندگان) بود در کابل گرد آمدند تا روی پایان دادن نا امنی و آوردن صلح پایدار در کشور بحث و تبادل نظر کنند (قطعنامه جرگه ملی مشورتی صلح ۲۰۱۰). اما فراموش نباید کرد که داکتر عبدالله عبدالله کاندیدای ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ و طرفداران او و اعضای پارلمان که از او حمایت میکردند، در این جرگه اشتراک نکردند.

جرگه ملی مشورتی صلح بعد از سه روز بحث و تبادل نظر با صدور قطعنامه پایان یافت. اشتراک کننده گان جرگه بالای حکومت افغانستان صدا کردند تا صلح را در صدر اولویت ها قرار داده و همچنان از مخالفین تقاضا نمودند که به پروسه ملی صلح بپیوندند. همچنان این جرگه یک چارچوب مشخصی را برای مذاکرات و در عین طی سفارشات خویش ایجاد شورای عالی صلح را پیشنهاد نمودند تا تلاشهای ملی صلح را به پیش ببرند. اعضای جرگه در چوکات ۲۸ کمیته سفارشات تفصیلی خویش را به حکومت جهت پیشبرد پروسه صلح تقدیم نمودند.

حکومت سفارشات این جرگه را پذیرفته و شورای عالی صلح را تحت رهبری رئیس جمهوری اسبق کشور، برهان الدین ربانی تأسیس نمود. برای پیشبرد امور تخنیکی و لوژستیکی این شورا یک دارالانشای اجرائیوی تحت ریاست محمد معصوم ستانکزی یکی از مشاورین و حامیان سرسخت رئیس جمهور کرزی ایجاد گردید.

ابتکار صلح و مصالحه ملی دولت افغانستان جداً مورد حمایت همکاران بین المللی قرار گرفت. کنفرانس بین المللی کابل منعقد ۲۰ جولای ۲۰۱۰ این برنامه را تأیید نموده و جامعه جهانی تعهد خویش را مبنی بر حمایت مالی و سیاسی این پروسه در قطعنامه کنفرانس مذکور ابراز داشتند (کنفرانس بین المللی کابل در مورد افغانستان ۲۰۱۰). تغییرات در دولت امریکا با انتخاب بارک اوباما باعث گردید تا آن کشور پالیسی جدیدی را در مورد افغانستان اتخاذ نماید. اداره جدید در امریکا اراده خویش را برای پایان دادن منازعه طولانی افغانستان ابراز داشته و از پروسه صلح و مصالحه حمایت خویش را اعلام نمودند.

پروسه صلح و مصالحه افغانستان منحصبت بخشی از برنامه صلح و ادغام مجدد در ماه اگست سال ۲۰۱۰ آغاز گردید. این برنامه اجندای صلح را در دو سطح تعقیب مینمود: (۱) تعقیب پروسه صلح و مصالحه ملی با رهبری گروه های مخالفین مسلح، (۲) قناعت دهی جنگجویان و رهبران محلی مخالفین مسلح برای ترک خشونت مسلحانه و پیوستن به خانواده های شان. برنامه ادغام مجدد سطح توقعات مردم عام، جامعه جهانی را بالا برده و تمویل کننده گان بین المللی مبالغ هنگفتی را برای تمویل این برنامه متعهد گردیدند.

برای آغاز مذاکرات صلح، شورای عالی صلح یک تعداد از چینل های ارتباطی را با گروه های مخالف مسلح باز کردند. از کشورهای منطقه که با طالبان ارتباطات نزدیک داشتند تقاضا بعمل آمد تا طالبان را برای پیوستن به مذاکرات ترغیب نمایند. اما این تلاشها منجر به نتایج ملموسی نگردیده و با تشدید تدریجی منازعه، تعداد کمی از جنگجویان پائین رتبه با پروسه صلح پیوستند.

با اینکه طالبان مذاکرات با دولت افغانستان را همواره رد کردند، رهبری حزب اسلامی در کابل و رهبران طرفدار صلح در سایر مناطق کشور تلاشهای خویش را برای مذاکرات با حکومت شدت بخشیدند. نمایندگان متعدد و سرشناس به کابل جهت ملاقات با حامد کرزی، اعضای شورای عالی صلح و نمایندگان جامعه جهانی سفر نمودند. اما حکومت افغانستان علاقمندی کمتری برای مذاکره با حزب اسلامی داشته و به تلاشهای خویش از طریق شورای عالی صلح با طالبان از طریق چینل های مختلف ادامه دادند. یک گزارش مؤسسه راند (RAND Cooperation) استدلال مینماید که حامد کرزی و حلقه داخلی حکومت او شاید میخواستند با رهبری طالبان و نظامیان پاکستانی طی یک پروسه وسیع صلح به یک تفاهم برسند (شین و دویین ۲۰۱۱). حزب اسلامی حکمتیار در سال ۲۰۰۷ به حامد کرزی جهت مذاکرات صلح مراجعه نموده، اما هیچگاهی نتوانست مذاکرات رسمی صلح را آغاز نماید (دیرکسین ۲۰۱۸).

در زمان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۴، داکتر محمد اشرف غنی صلح و مصالحه را در صدر اولویت های کاری خویش قرار داد. تمرکز او بر پروسه صلح، رهبران حزب اسلامی را ترغیب نمودند که با کمپاین انتخاباتی اشرف غنی بیوندند. آنها زمینه مجالس با نمایندگان حکمتیار را نیز با اشرف غنی مساعد ساختند. آقای غنی به نمایندگان حزب اسلامی اطمینان داد که در صورتیکه رئیس جمهور شود، مذاکرات با حزب اسلامی را آغاز خواهد نمود.

در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، آقای غنی تعهد صلح و مصالحه با حزب اسلامی را تجدید نمود. اما فراموش نباید کرد که انتخابات منتج به نتیجه دلخواه نشد. اتهامات تقلب، تلاشهای طولانی مدت و زمانگیر بودن توافق بالای ایجاد حکومت وحدت ملی و جنجالها میان رئیس جمهور غنی و رئیس اجرائیه داکتر عبدالله باعث گردید تا اشرف غنی نتواند اجندای انتخاباتی خویش را مؤفقانه تطبیق نماید. برای تقریباً دو سال پروسه صلح و مصالحه از عدم موجودیت رهبری و استراتژی مدون به مشکل اساسی دچار گردیده تا اینکه آقای غنی در فیروزی ۲۰۱۶ به اصلاحات در شورای عالی صلح مبادرت ورزید.

مدتها قبل از آغاز پروسه رسمی صلح، مذاکرات غیر رسمی به صورت منظم میان دفتر شورای امنیت ملی که از رئیس جمهور نمایندگی میکرد، و نمایندگان حزب اسلامی جریان داشت. در طول سالها، بحثها در مورد حدود و ثغور مذاکرات صلح و شیوه کاری در این رابطه جریان داشتند. در جریان مراحل محرم قبل از مذاکرات، تلاش برای اعتماد سازی و ابراز حسن نیت رهبران دولت با ملاقاتهای متعدد با رهبری حزب اسلامی و جلب حمایت جامعه جهانی به هدف جذب حمایت خارجی برای پروسه صلح و مصالحه با حزب اسلامی همواره ادامه داشته است.

در ماه مارچ سال ۲۰۱۶، بعد از اصلاحات در شورای عالی صلح، مذاکرات رسمی با حزب اسلامی آغاز گردیدند. تیم مذاکره‌ای دولت را شورای عالی صلح نمایندگی کرده و اعضای ارشد حزب اسلامی از حکمتیار نمایندگی میکردند. دفتر شورای امنیت ملی عملاً در مذاکرات اشتراک نداشته اما با حل کردن مشکلات و شکستادن بنیست ها فعالانه در این پروسه سهم داشت.

3.2 عوامل مساعد کننده

تعدادی از رهبران سطح متوسط حزب اسلامی بعد از مداخله نظامی آیالات متحده در سال ۲۰۰۱ که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد مجوز حاصل نموده بود، به افغانستان برگشتند. یک گروهی از رهبران حزب اسلامی، این حزب را بنام حزب اسلامی افغانستان منیحت یک حزب سیاسی بعد از تائید گلبدین حکمتیار ثبت و راجستر نموده و در پروسه های سیاسی بعد از سقوط طالبان نقش ایفا نمودند. رهبران مختلفه سطح متوسط حزب اسلامی شاخه های انشعابی دیگری را نیز ایجاد نموده و با رژیم دموکراتیک پیوستند. الی اخیر سال ۲۰۱۴، حد اقل شش شاخه انشعابی حزب اسلامی در کابل فعال بودند (دیرکسین ۲۰۱۸). سهمگیری این رهبران حزب اسلامی زمینه را برای آنها مساعد ساخت تا به کابینه دولت افغانستان منیحت وزرا راه یابند.

رهبران حزب اسلامی در کابل زمینه ایجاد کانال های ارتباطی میان رهبری حزب اسلامی که هنوز با دولت افغانستان و نیروهای بین المللی در جنگ قرار داشتند، را مساعد ساختند. تماسهای متعدد غیر رسمی میان حکومت افغانستان و شاخه جنگنده حزب اسلامی برای مدت زیادی ادامه داشتند. ارتباطات منظم میان حزب اسلامی و دولت افغانستان منجر به مذاکرات رسمی نگردیده، زیرا حزب اسلامی با دولت افغانستان در مخالفت جدی آیدیالوژیک و غیر متناظر قرار داشت، چون یکی از خواسته های جدی حزب اسلامی خروج نیروهای بین المللی از افغانستان بود. ضمناً حزب اسلامی خواستار تعدیل و یا تجدید قانون اساسی بوده و همواره خواستار انتخابات آزاد و مستقل تحت یک اداره مستقل بودند.

بعد از اینکه بارک اوباما منیحت رئیس جمهور آیالات متحده انتخاب گردید، ستراتیژی نظامی و ملکی خویش در مورد افغانستان و پاکستان را اعلام داشت. به تاریخ ۲۷ مارچ سال ۲۰۰۹، رئیس جمهور امریکا افزایش نیروهای امریکایی را که بالاخره منجر به خروج نیروهای امریکایی در سال ۲۰۱۴ شود، اعلان نمود. همچنان امکان صلح و مصالحه با آنده از مخالفین مسلح را که خواهان پیوستن به صلح بودند و میخواستند از مخالفین افراطی و رادیکال جدا شوند، افزایش داد (کلینتون ۲۰۱۴). تغییر در ستراتیژی اعضای طرفدار صلح و مصالحه حزب اسلامی را ترغیب نموده و از رهبری خویش تقاضا نمودند تا در مذاکرات صلح اشتراک نمایند.

عامل دیگری که حکومت افغانستان را بر آن داشت تا با حزب اسلامی به میز مصالحه بنشیند این بود که چگونه این گروه نظامی زمینه را به طالبان از دست میدهد. حزب اسلامی بسیاری از قومدانان نظامی و کدرهای سیاسی را در زمان جنگ داخلی آنهام وقتیکه با طالبان درگیر بود، از دست داد. این گروه مناطق دست داشته خویش را در زمان درگیری با

نیروهای بین‌المللی نیز از دست داده و بسیاری از جنگجویان آن به طالبان پیوستند و طالبان را مبدل به گروه مهمی نمودند که با نیروهای بین‌المللی و حکومت افغانستان درگیر منازعه مسلحانه بودند. طالبان توجه همه را جلب نموده بود.

در اصل طالبان در محراق توجه استراتژی جدید ایالات متحده برای افغانستان و همچنان برنامه صلح کابل قرار داشتند. در جریان سالهای ۲۰۰۰ مجالس متعدد محرم و مخفی میان طالبان و دیپلماتهای خارجی تدویر یافتند. ضمناً سهامداران منازعه افغانستان- کشورهای خارجی و منابع مستقل- تمام حمایت‌های مالی و تسلیحاتی را با طالبان انجام میدادند که باعث کاهش منابع حزب اسلامی گردیده و نمیتوانستند به مبارزه مسلحانه خویش کماکان ادامه دهند.

رهبری حزب اسلامی، به خصوص آنانیکه در خارج زندگی میکردند و عملاً در منازعه دخیل نبودند، دریافتند که گروه مذکور آهسته آهسته در مسائل افغانستان اهمیت خویش را از دست میدهد. بنأ شخصیت‌های بارسوخ حزب اسلامی باید تغییر بنیادی را در استراتژی طولانی مدت خویش وارد ساخته و باید داخل پروسه سیاسی میشدند تا دوباره اهمیت از دست داده خویش را کسب نمایند. استراتژیست‌های طرفدار صلح با اعلام خروج نیروهای امریکایی و برنامه صلح دولت افغانستان بیشتر با پیوستن به پروسه صلح تشویق و ترغیب گردیدند.

3.3 توقعات

در جریان پروسه صلح و مصالحه با حزب اسلامی تمام طرفها توقعات واضح داشتند، اما دولت افغانستان تلاش اساسی خویش را به خرج نداد تا توقعات خویش را به مردم عام و سائر همکاران خویش از طریق برنامه‌های منظم تبلیغاتی انتقال دهد.

از آنجاییکه حزب اسلامی مناطق بسیار کوچکی را در سالهای قبل از آغاز پروسه صلح تحت کنترل داشت، دولت افغانستان و اعضای شورای عالی صلح میدانستند که صلح با حزب اسلامی تأثیر بسیار جدی بالای سطح خشونت و بی‌ثباتی در کشور خواهد داشت. اما با آنهم خواستند این پروسه را با حزب اسلامی به پیش ببرند تا اراده سیاسی خویش را با سائر گروه‌های مخالف مسلح عملاً به نمایش بگذارند. دولت باورمند بود که صلح با حزب اسلامی اراده و تعهد آنده از اعضای طالبان را که طرفدار صلح هستند، تقویت خواهد بخشید.

رهبران حامی صلح حزب اسلامی نیز دریافته بودند که ممکن با دوام مبارزه مسلحانه به اهداف خویش نیل نخواهند یافت. افزایش دوامدار تلفات ملکی دلیل دیگری بود که رهبری حزب اسلامی را از ترس اینکه بیشتر حمایت مردمی را از دست ندهند به سوی مذاکرات صلح کشانید. همچنان ظهور طالبان و حمایت بیشتر کشورهای منطقه از آنان موقف حزب اسلامی را تا حدی تضعیف نمود. در نتیجه، رهبری ارشد حزب اسلامی آغاز به دریافت یک راه حل برد-برد منازعه نمود. با اعلام خروج نیروهای امریکایی از سوی دولت ایالات متحده الی اخیر ۲۰۱۴، یکی از مطالبات این گروه بر آورده شده بود، به همین دلیل رهبران حزب اسلامی از آقای حکمتیار تقاضا نمودند که به مذاکرات سیاسی تن دردهد.

حزب اسلامی تصمیم گرفت تا اجندای خویش را بعد از این از طریق سیاسی تعقیب نماید. با درک این حقیقت که منازعه افغانستان در یک حالت بُن‌بست جدی قرار دارد، حزب اسلامی درک کرده بود که تنها میتوان این معضله را از طریق مذاکرات حل کرد. نگرانی دیگر نزد حزب اسلامی این بود که ممکن طالبان با پیوستن به پروسه صلح حزب اسلامی را تحت الشعاع قرار دهد به همین ملحوظ رهبران طرفدار صلح در این گروه تلاشهای صلح جویانه خویش را هرچه بیشتر تشدید نمودند.

4 مذاکرات صلح و نتایج آن

پروسه صلح و مصالحه با حزب اسلامی روال عادی مراحل قبل از مذاکرات، مذاکرات رسمی و امضای توافقنامه صلح را تعقیب نمود. در جریان مرحله غیر رسمی قبل از مذاکرات، که از مارچ ۲۰۱۵ تا اوایل سال ۲۰۱۶ ادامه یافت، دولت افغانستان از طریق دفتر شورای امنیت ملی با حزب اسلامی دخیل گفتگو بود. محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی تسهیل کننده اصلی مذاکرات بین حزب اسلامی و رئیس جمهور غنی بود. دسترسی مستقیم آقای اتمر به رئیس جمهور او را در موقفی خوبی قرار داده بود که با حزب اسلامی ارتباط برقرار نموده و در عین زمان اعتماد حزب اسلامی را بر پروسه مذاکرات افزایش دهد. مرحله قبل از مذاکرات دور از انتظار عامه به پیش رفت. دولت و حزب اسلامی در مورد طرز العمل و شیوه کاری مذاکرات، شریک سازی خواسته های طرفین و موضوعات مربوط به اعتماد سازی را در این مرحله مورد بحث و بررسی قرار دادند. مذاکرات رسمی بعد از مذاکرات محرم آغاز گردیدند. دولت افغانستان مسولیت مذاکرات را به شورای عالی صلح و حزب اسلامی مسولیت مذاکرات را به هیئتی که در مرحله قبل از مذاکرات دخیل بود تفویض نموده بود.

4.1 ترکیب و ظرفیت تیم های مذاکره کننده

≡ نحو برخورد و نوعیت تیم های مذاکراتی

شورای عالی صلح مذاکرات را با حزب اسلامی انجام داد. تیم مذاکراتی شورای عالی صلح شامل سه معاون این شورا به شمول عطا الرحمن سلیم، حبیبه سرابی و عبدالخبیر اچقون و رئیس دارالانشای شورای عالی صلح محمد ایوب رفیقی بودند. اعضای تیم مذاکراتی از اقلیت مختلف سیاسی، اجتماعی و آیدیالوژیک نمایندگی میکردند. رهبری تیم مذاکراتی را عطا الرحمن سلیم که به حزب جمعیت اسلامی مربوط بوده و در چهار دهه اخیر رقیب اصلی حزب اسلامی بود به عهده داشت. عبدالخبیر اچقون به حزب جنبش ملی اسلامی یکی از گروه های برجسته دوران جنگ داخلی که همواره موقف و خود را در حمایت از طرفهای درگیر تغییر داده است، ارتباط داشته است. حبیبه سرابی یکی از فعالین سرسخت حقوق زن بوده و ادعا دارد که به هیچ یک از احزاب سیاسی ارتباط ندارد.

تیم غیرمتجانس شورای عالی صلح و رقابت تاریخی حزب اسلامی و جمعیت اسلامی اکثراً مانع مذاکرات هدفمند شده و مکرراً بحث ها به بُنیست مواجه میشد. خاطرات گذشته همواره بحث های تلخ را بالای ماده های متعدد توافقنامه ایجاد میکرد.

بارها تیم های مذاکراتی به میانجی طرف ثالث نیاز داشتند. به نمایندگی رئیس جمهور اشرف غنی، مشاور شورای امنیت ملی حنیف اتمر نقش بسیار مؤثر و ارزنده را در جریان تمام پروسه مذاکراتی ایفا نمود. مذاکرات صلح با حزب اسلامی نشان میدهد که چگونه شخصیت های قابل احترام و طرف اعتماد طرفین میتوانند در شکستن بُنیستی که به سبب موقف گیری های متضاد طرفین مذاکره ایجاد شده باشد، نقش بارز دارند.

اعضای تیم مذاکراتی حزب اسلامی را محمدکریم امین و عتیق الله صافی تشکیل میداد. با پیشرفت و رسمی شدن پروسه، داکتر غیرت بهیر یکی از رهبران حزب اسلامی نیز به این تیم پیوست. تیم مذاکراتی حزب اسلامی در جریان تمام پروسه مذاکراتی ثابت باقی ماند. این تیم روش خود را به اساس تحلیل از منازعه و دیدگاه خویش برای صلح و مصالحه عیار ساخته بود. چون بسیاری از بازیگران منطوقی نقش منفی و مخرب را در پروسه صلح بازی میکردند، تیم مذاکراتی به همین دلیل از اعضای حزب اسلامی که در خارج کشور مقیم بودند تشکیل گردیده بود تا از تأثیرات تحولات سیاسی منطوقی و رهبران سطح

متوسط حزب اسلامی فاصله داشته باشند. کریم امین از فرانسه و صافی از کشور آلمان که تابعیت این کشورها را دارند شامل مذاکرات گردیدند.

برعلاوه دور بودن از تأثیرات منطوقی، دو فرد فوق الذکر از احترام خاص رهبری حزب اسلامی نیز برخوردار بودند، زیرا برای مدت طولانی این دو تن از نظر مالی این گروه را تمویل کرده اند چون حزب اسلامی برای پیشبرد اجندای نظامی و حفظ زیرساختهای تعلیمی خویش به پول نیاز داشت. با بسیج منابع و انتقال پول برای فعالیت های اجتماعی حزب اسلامی، این دو شخصیت از اعتماد رهبری حزب اسلامی نیز برخوردار بودند، فلذا اشخاص بسیار مناسب برای نمایندگی از این گروه محسوب میشوند.

مذاکره کننده گان مقیم در اروپا با داشتن تابعیت دوگانه زمینه این را فراهم ساخته بود تا آنها با سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان آقای فرنس میلین روابط حسنه داشته باشند. میلین برای ایجاد اجماع بین المللی، میانجیگری در بنیست های بزرگ و تشویق مذاکره کننده گان حزب اسلامی به تمرکز و حوصله، نقش مهمی را ایفا مینمود. مهارت دانش السنه انگلیسی و فرانسوی با آقای کریم امین کمک کرد تا حمایت همکاران بین المللی را نیز حاصل کند.

هر دو کریم امین و صافی برای تقریباً یک دهه قبل از این که با حکومت افغانستان وارد گفتگو شوند، برای صلح و مصالحه میان حزب اسلامی دادخواهی کرده بودند. در فرانسه امین کریم کمیونی را تحت عنوان کمیسیون صلح و آزادی ایجاد کرد که اولین نشست آن در سال ۲۰۰۷ منعقد گردیده و در حدود ۴۰۰ تن از نخبگان مهاجرین افغان در اروپا در آن اشتراک کردند. وی همچنان یک برنامه تلویزیونی را بنام پیام نو نیز به پیش میبرد، که برای صلح و مصالحه در افغانستان دادخواهی میکرد. تعهد استراتژیک و آیدیالوژیک این دو شخصیت برای پایان دادن منازعه چهل ساله در مؤفقیت پروسه صلح نقش بسیار اساسی را ایفا کرد.

عضو سومی تیم مذاکراتی حزب اسلامی، داکتر غیرت بهیر نیز یک گزینه بسیار مثبت بود. نامبرده داماد و مشاور نزدیک حکمتیار بوده که برای مدت طولانی با او از نزدیک کار کرده است. داکتر بهیر در سال ۲۰۰۲ توسط نیروهای امریکایی دستگیر و برای شش سال زندانی بود. او با مداخله و حمایت شخص حامد کرزی در سال ۲۰۰۸ از زندان رها گردید. از همان زمان بدینسو آقای بهیر نقش میانجی میان حکمتیار و کرزی را به خوبی انجام داد.

رئیس جمهور نیز با آقای بهیر ارتباط منظم داشت و همین ارتباط باعث گردیده بود که وی از پروسه صلح و مصالحه در میان رهبری حزب اسلامی حمایت کند. در سال ۱۹۸۲ زمانیکه غیرت بهیر هنوز جوان بود و منازعه افغانستان در مراحل ابتدایی آن قرار داشت، بهیر با هیئت های روسی نیز مذاکراتی را انجام داده بود. او همچنان از حزب اسلامی در مذاکرات میان گروه های مجاهدین و حکومت وقت در عراق و بعدتر در مذاکرات لیبیا که توسط معمر القذافی تسهیل یافته بود نیز نمایندگی کرده بود، نامبرده در یک دوری از مذاکرات در لندن نیز اشتراک ورزیده بود. داشتن تجربه مذاکرات قبلی و اعتماد رهبری حزب اسلامی بر وی، او را به یکی از مناسبترین شخصیت ها برای مذاکرات مبدل گردانیده بود.

≡ ظرفیت تیم های مذاکره کننده

شورای عالی صلح و حکومت افغانستان برای پروسه صلح آنقدر آماده نبودند. تیم مذاکره کننده تجربه نداشته و هیچگونه برنامه های معلوماتی و آموزشی برایشان فراهم نگردیده بود و هیچ مفکوره نداشتند که باید به چی روش وارد مذاکرات شده و چگونه با مشکلات غالب آیند. خوشبختانه، مشاور امنیت ملی آقای حنیف اتمر مهندس اساسی پروسه صلح و مصالحه منحیث یک سیاستمدار کارگشته که سالها در مذاکرات سطح بالا دخیل بوده است، نقش مهمی را ایفا نمود. موجودیت او خلای ظرفیتی مذاکره کننده گان شورای عالی صلح را جبران نموده بود.

برای آماده سازی تیم مذاکراتی، رئیس دارالانشای شورای عالی صلح از یوناما یا دفتر معاونت ملل متحد در افغانستان تقاضا نمود تا یک ورکشاپی را در خصوص مذاکرات رسمی برای اعضای شورای عالی صلح ترتیب نمایند. ملل متحد به تقاضای نامبرده پاسخ مثبت داده و برای اعضای شورای عالی صلح یک ورکشاپی را که در آن تکنیک های مذاکرات و بهترین تجارب جهانی مذاکرات صلح را با اعضای شورای عالی صلح آموزش داده شد، تدویر نمود. این ورکشاپ توسط یک متخصص بین المللی پیش برده شد.

با وجود اینکه مذاکره کننده گان حزب اسلامی آموزش رسمی در مذاکرات صلح را دریافت نکرده بودند، اما توانستند در مذاکرات با اعضای شورای عالی صلح دست بالا داشته باشند. علت آن ممکن این باشد که اعضای حزب اسلامی از همان اوایل حدود و ثغور مذاکرات، اهداف و دیدگاه واضح را برای خود تعیین کرده بودند. تجربه نظامی و سیاسی داکتر بهیردر مراحل مختلف مذاکرات ارزش اضافی خاصی را به این تیم بخشیده بود.

4.2 مذاکرات صلح و تسوید توافقنامه صلح

زمانیکه آمادگی های حزب اسلامی برای مذاکرات صلح و مصالحه تحت بررسی قرار گرفت واضح گردید که حزب اسلامی از همان اوایل با دولت افغانستان که بعد از بمباردمان اکتوبر ۲۰۰۱ روی کار آمد، برای مذاکرات پلان و استراتژی لازم را طرح کرده بود. برخلاف روش شورای عالی صلح و دولت افغانستان که بیشتر واکنشی برخورد کردند، برخورد حزب اسلامی کنشگر ایانه و فعالتر بود.

در مارچ ۲۰۱۰، حزب اسلامی سندی را تحت عنوان میثاق نجات ملی تهیه کرده بود که در آن بر خروج نیروهای بین المللی و ایجاد یک اداره مؤقت تأکید ورزیده بودند. حزب اسلامی مذاکرات رسمی را در سال ۲۰۱۵ با تقدیم یک سندی تحت عنوان طرح صلح و مصالحه آغاز کرد که از همان میثاق نجات ملی اقتباس یافته بود. از بحث های ابتدایی روی این سند وانمود گردید که به کلی بر خواسته های تاریخی حزب اسلامی متمرکز بوده و بعضی از آنها آنقدر نندروانه بودند که تمرکز بر آن باعث ناکامی پروسه مذاکراتی میگردد. در این مسوده اصلاحات وارد گردیده و شرایطی از سند حزب اسلامی و همچنان پیشنهادات دولت افغانستان در آن جابجا گردید.

مذاکرات روی سند جدیدی که نظریات طرفین در آن جابجا گردیده بود آغاز و ادامه یافت. اما مذاکرات روی هر یک از مواد توافقنامه باعث گردید که مکرراً طرفین به بن بست مواجه شوند. اما بعد از اینکه موضوعات جنجال بر آنگیز کنار گذاشته شدند تا بعدتر روی آن بحث صورت گیرد و مذاکرات روی موضوعات کمتر منازعوی به آسانی به پیش رفتند.

تیم مذاکره کننده حزب اسلامی به صورت واضح حدود خویش را برای توافقات صلح و تمام جزئیات میدانستند. سندی اصلی که برای مذاکرات تسلیم شده بود از دیدگاه رهبری حزب اسلامی نمایندگی میکرد، اما در جریان مذاکرات و با آمدن تغییرات قابل ملاحظه تیم مذاکره کننده با رهبری خویش به صورت منظم در تماس بود.

اما از سوی دیگر، تیم مذاکره کننده شورای عالی صلح مکلف بود حمایت رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی، آقای عبدالله را داشته باشد، زیرا نامبرده از گروه نمایندگی میکرد که در گذشته با حزب اسلامی در تخاصم شدید قرار داشتند. رئیس هیئت مذاکره کننده شورای عالی صلح، عطا الرحمن سلیم و مشاور شورای امنیت ملی محمد حنیف اتمر تمام جزئیات مواد موافقتنامه را به صورت روزمره با داکتر عبدالله شریک میساختند. با رهبران ارشد سیاسی همواره در مورد مسوده توافقنامه مشوره صورت گرفته و در جریان انکشافات قرار میگرفتند.

معلومات همچنان با همکاران بین المللی شریک ساخته شده و با آنها نیز نشستهای مشورتی تدویر میگردد، که این امر باعث آوردن تغییرات قابل ملاحظه در مسوده توافقنامه گردید. قرار اظهارات رئیس دارالانشای شورای عالی صلح، مسوده

توافقنامه صلح بعد از اینکه طرفین مذاکره به توافق رسیدند مجموعاً ۳۷ بار تعدیل گردید که از جمله ۲۵ بار تعدیلات برای ارائه پاسخ به نگرانی های جامعه بین المللی در این سند آورده شدند.

باوجود اینکه ایجاد اجماع ملی و دخیل ساختن طرفهای مختلف در پروسه صلح و مصالحه با حزب اسلامی زمینه حمایت همه را فراهم ساخت اما باعث تأخیر در این پروسه نیز گردید. نمایندگان حزب اسلامی از دست به دست شدن و تبادل نظریات بسیار زیاد میان مذاکره کننده گان و بازیگران متعدد، به ستوه آمدند، و در عین حال بعضی از جملات و عبارات در مسوده توافقنامه تا حدی برای رهبری حزب اسلامی غیرقابل قبول تلقی شده و نزدیک بود پروسه مذاکرات به سقوط مواجه شود. از مرور بر پروسه مذاکراتی بر می آید که چون طرفین مذاکرات حدود و ثغور توافقات خویش را با طرف مربوطه و سایر بازیگران تعیین نکرده بودند، در هر مرحله بی از مذاکرات تغییراتی بسیار جدی و فاحش در مسوده توافقنامه وارد میگردید. این امر بیشتر به شورای عالی صلح و حکومت افغانستان و کمتر به حزب اسلامی عطف میگردد.

4.3 مشوره ها با جامعه مدنی و احزاب سیاسی جدیدالظهور

رئیس جمهور کرزی از جمله پیشنهادکنندگان پروسه صلح و مصالحه ملی میباشد. او به صورت غیر رسمی با رهبران حزب اسلامی در کابل و خارج از کشور توافق کرده بود که با استفاده از وسایل غیرنظامی الگوی را برای حل مسالمت آمیز منازعه با یک گروه نظامی، تقدیم خواهد کرد. مراحل قبل از مذاکرات بیشتر توسط کرزی پیشرفته که در آن بازیگران ملی و بین المللی کمتر دخالت داشتند.

زمانیکه مذاکرات رسمی آغاز گردیدند، دولت افغانستان با نخبگان سیاسی و جامعه جهانی مشوره های لازمی را انجام داد. در جریان پروسه اما مؤسسات جامعه مدنی و احزاب کوچک سیاسی مورد اغماض قرار گرفته بودند. باوجود اینکه مجالس متعددی میان حزب اسلامی و نمایندگان جامعه مدنی تدویر یافتند تا طرفین نظریات همدیگر را بدانند، اما احزاب سیاسی کوچک و مؤسسات جامعه مدنی هیچگاهی به صورت مستقیم در مذاکرات اشتراک نداشته و دخیل نگردیدند. در نتیجه، نگرانی های آنان و به خصوص نگرانی های زنان به صورت اخص زمانیکه حزب اسلامی وارد سیستم سیاسی گردیدند، مد نظر گرفته نشد. عدالت انتقالی و شکایات قربانیان جنگ خارج از اجندای توافقات صلح باقی ماند.

علت اساسی عدم انجام مشوره ها با جامعه مدنی و احزاب سیاسی نوظهور استعجالیت حکومت برای تسریع روند مذاکرات و رسیدن فوری به توافقات صلح بود تا از تأثیرات مخربین ملی و بین المللی جلوگیری بعمل آید. این احساس استعجالیت دولت اما با در نظر داشت حالت شکننده و تأثیرات منفی مخربین در گذشته قابل درک بود، اما اهمال از عدم دخیل سازی یک بخش مهمی از جامعه ممکن به این مفهوم تعبیر شود که گویا اجماع وجود نداشته و تطبیق مؤفقانه توافقات ممکن به تهدید مواجه گردد.

4.4 محتویات توافقنامه صلح

توافقنامه صلح که از سوی رئیس جمهور افغانستان اشرف غنی و رهبر حزب اسلامی گلبدین حکمتیار به امضا رسید، بعد از یک پروسه بسیار طولانی و جدی مذاکراتی روی دو سندی که در اخیر با هم مدغم گردیده و متن آن چندین بار تعدیل و اصلاح گردید، بدست آمده بود. این سند را سیاسیون بدون اخذ نظریات متخصصین صلح و مذاکرات که تجربه کافی در این عرصه داشته باشند، نهایی ساختند و به همین دلیل بود که توافقنامه مذکور از نظر حقوقی و تخنیکی از صراحت های لازم برخوردار نبود.

موضوعات زیادی در توافقنامه مذکور تحت پوشش قرار گرفته بودند که از حذف نام رهبری حزب اسلامی از لست های تعزیرات الی اختصاص دادن زمین به مهاجرین این حزب، ادغام حزب اسلامی در حکومت افغانستان و رهایی زندانیان حزب اسلامی را شامل میگردد. اما چون توافق بر این موضوعات بدون نظریات اهل خبره صورت گرفته بود، تطبیق این توافقنامه بارها از نظر حقوقی به موانع مواجه گردید.

برای تطبیق توافق صلح هیچگونه تضمین کننده وجود نداشت. باوجود اینکه حکومت افغانستان به درستی روی پروسه به رهبری و مالکیت افغانها اصرار میورزید، اما باید تضمیناتی وجود میداشت که امضاکننده گان طرفین توافقنامه را ملزم و مکلف به تطبیق توافقات میساخت. به تضمین کننده گان-خواه ملی و یا بین المللی باشند- نیاز احساس میگردد تا طرفین را در زمان تطبیق توافقات به تعهدات خویش ملزم گردانند.

توافقنامه صلح همچنان میکانیزم مناسبی را برای حل اختلافات زمان تطبیق و تفسیر مواد توافقنامه پیشبینی نکرده است. ماده ۲۴ توافقنامه صرفاً در این مورد تذکر میدهد که: "در صورت بروز هر نوع اختلاف ممکن در تطبیق این موافقتنامه طرفین اختلاف مذکور را از طریق مشورت و مذاکره های دوستانه و با حسن نیت در کمیسیون مشترک که اعضای آن از جانب هر دو طرف تعیین میگردند حل مینمایند".

نقصه تخنیکی دیگر در این توافقنامه عبارت از عدم موجودیت یک میکانیزم نظارتی بوده تا پیشرفت تطبیق پروسه را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. با امضای توافقنامه صلح، رئیس جمهور اشرف غنی یک کمیسیون مشترکی را برای تطبیق توافقنامه حزب اسلامی ایجاد کرد که در ترکیب آن مقامات دولتی، اعضای شورای عالی صلح و نمایندگان حزب اسلامی حضور داشتند. یک تعدادی از اعضای کمیسیون مشترک تطبیق توافقنامه صلح با حزب اسلامی ابراز داشتند که موجودیت یک نهاد نظارت کننده برای ارزیابی و بررسی تطبیق توافقنامه صلح ممکن با تمام شرکا و همکاران کمک میکرد تا در مورد پیشرفت تطبیق پروسه صلح نظریات مستقلانه خویش را ارائه نمایند. طرفین حالا یکدیگر را بنابر موجودیت بنیست جاری مورد عتاب و ملامتی قرار میدهند: این در حالی است که حکومت ادعا دارد که تمام تعهدات خویش را در این راستا تطبیق نموده و این حزب اسلامی است که به تعهدات خویش عمل نکرده است. از سوی دیگر اعضای حزب اسلامی به صورت رسمی از عدم پیشرفت در تطبیق توافقنامه صلح شکایت کردند.

اکثریت مواد توافقنامه صلح بیشتر به بیانات وسیع پالیسی ساز شبیه بوده و هیچگونه میکانیزم و شیوه کاری را برای طرح پلان تطبیقی ارائه نمیکند. همچنان این توافقنامه صلح رهنمود های کلی برای مصالحه را فراهم مینماید اما عدم موجودیت یک پلان کاری اندازه گیری و پیمایش پیشرفت تطبیق آنرا تقریباً ناممکن ساخته است.

مذاکره کننده گان هیچگونه تجربه قبلی در پروسه های مذاکرات صلح و یا تهیه توافقنامه صلح نداشتند. آنها از دانش و معلومات دست اول در مورد مؤفقیات ها و ناکامی های کشورهای دیگر نیز برخوردار نبودند، زیرا داشتن چنین دانش ممکن با آنها در تسوید سندی که به آسانی مورد تطبیق قرار گرفته و به صورت مؤثر حزب اسلامی را از یک گروه نظامی به یک حزب سیاسی ملی مبدل سازد، کمک میکرد. این امر مثال دیگر دال بر عدم آمادگی دولت افغانستان برای پروسه صلح و مصالحه میباشد.

5 تطبیق توافقنامه صلح

5.1 ساختار تشکیلاتی

بعد از اینکه توافقنامه صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی در سپتامبر سال ۲۰۱۶ به امضا رسید، رئیس جمهور محمد اشرف غنی کمیسیون مشترک تطبیق توافقنامه صلح با حزب اسلامی را طی صدور یک فرمان ایجاد کرد. ریاست کمیسیون مذکور را نماینده خاص رئیس جمهور در امور سیاسی عهده دار گردید. معاونین شورای امنیت ملی و ریاست امنیت ملی نیز به نمایندگی از دولت عضویت این کمیسیون را داشتند. چهار معاون شورای عالی صلح که سه تن آن عملاً در مذاکرات دخیل بودند نیز عضویت این کمیسیون را داشتند. دو تن از مذاکره کنندگان حزب اسلامی یعنی رئیس تیم مذاکره کننده و عضو تیم مذکور نیز عضویت این کمیسیون را حاصل نمودند.

در اوایل دارالانشای شورای عالی صلح مسؤلیت اجراات برای تطبیق توافقنامه صلح را تحت نظر کمیسیون مشترک تطبیق توافقنامه صلح با حزب اسلامی بعهده داشت. اما بنابر عدم موجودیت منابع کافی و ظرفیت یک دارالانشای تطبیق جداگانه در چوکات کمیسیون مذکور ایجاد گردید.

دارالانشای جدید چندین کمیته را برای نظارت از تطبیق توافقنامه بنابر مواد مشخص توافقنامه صلح ایجاد کرد. این کمیته ها مسؤلیت تطبیق بخشهای حقوقی/رهایی زندانیان، ادغام مجدد، امور مهاجرین، ادغام مجدد مقامات قبلی ملکی و نظامی و امور مربوط به شهدا و معلولین را دارا بودند. مسؤلیت تطبیق بخشهای دیگر این توافقنامه را ادارات ذیربط دولتی به عهده گرفته و به دارالانشای تطبیق توافقنامه پاسخگو نبودند. طور مثال، دفتر شورای امنیت ملی مسؤلیت حذف نام رهبر حزب اسلامی را از لیست تعزیرات ملل متحد بعهده گرفت و همچنان ریاست عمومی امنیت ملی مکلف گردید تا موارد خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد را مورد تطبیق قرار دهد.

این کمیته ها با آغاز کار کمیسیون مشترک تطبیق توافقنامه حزب اسلامی فعال گردیده و هر کمیته توسط یک همکار تخنیکی از دارالانشای تطبیق توافقنامه رهبری میگردد. اعضای دیگر این کمیته ها را نمایندگان حزب اسلامی و نمایندگان وزارتها و ادارات دولتی مربوطه تشکیل میدهند. کمیته های مذکور فعالیت خویش را بدون موجودیت رهنمودهای پالیسی و یا توافق روی پروسیجرهای کار آغاز نمود که باعث ایجاد سوالات متعدد حقوقی و اجرایی گردیده و سبب تأخیر در تطبیق برنامه ها گردید.

در اوایل اعضای کمیسیون مطابق زمانبندی توافق شده، نشست های منظم داشتند. با مرور زمان، اما مجالس غیر منظم و به اساس نیازمندی منعقد میگردیدند. اما بعدترها زمانیکه رئیس کمیسیون منحیث رئیس دارالانشای شورای عالی صلح تقرر یافت، کمیسیون به صورت کامل از بین رفت. دارالانشای کمیسیون مذکور با دارالانشای شورای عالی صلح مدغم گردیده و میکانیزم هماهنگی، نظارت و حل اختلافات مکماً از بین رفت.

5.2 تطبیق توافقنامه

تطبیق توافقنامه صلح که در آغاز تحت نظر کمیسیون مشترک به صورت غیر منظم صورت می‌گرفت، هیچگونه برنامه برای تحول منازعه نداشته و شدیداً با کمبود ظرفیت مواجه بود. بنابر همین دلیل پروسه تطبیق توافقنامه بالای منازعه کلی در افغانستان تأثیرات اندک داشته است.

تلاشهای صلح و مصالحه با حزب اسلامی صرفاً به دلیلی پیش برده میشدند که به سائر گروه های مخالف مسلح ثابت سازند که گویا دولت افغانستان و همکاران بین المللی آنان متعهد به حل مسالمت آمیز منازعه افغانستان میباشند. دولت میخواست این پیام را به مخالفین بدهد که چنانچه حزب اسلامی به پروسه های سیاسی پیوست، طالبان نیز باید به مذاکرات صلح حاضر شوند. اما دولت نتوانست از طرق سنتی و یا هم از طریق کانالهای عصری پیام مثبتی را در مورد تطبیق پروسه صلح به مردم برساند و واضح است که بدون برنامه های آگاهی عامه و ارتباطات استراتژیک در مورد تطبیق پروسه صلح، تأثیر آن نیز محدود میماند.

رهایی زندانیان بخش بسیار مهم دیگر تطبیق توافقنامه صلح را تشکیل میدهد. کسانیکه در جریان خشونت مسلحانه بازداشت شده و کدام جرم جنایی نداشته باشند، باید طبق توافقنامه رها گردند. زمانیکه تطبیق توافقنامه آغاز گردید، حکومت و حزب اسلامی پروسه رهایی زندانیان را آغاز کرد. در حدود ۲۴۳ تن در سال ۲۰۱۷ و در حدود ۲۶۰ تن در سال ۲۰۱۸ از زندانهای کشور رهایی یافتند. به زندانیان اسبق صرفاً یک سفریه ناچیز و یک جوره لباس داده میشود. آنها کدام کمکی دیگری را که برای آنها زمینه دوباره زندگی ملکی را مساعد سازد مهیا نگریده است.

برای ادغام جنگجویان حزب اسلامی و همچنان برای کسانیکه برگشت میکنند، هیچگونه برنامه وجود نداشته است. با در نظر داشت اینکه اعضای این گروه حدود چهار سال را در کوه های افغانستان سپری کرده اند، لذا به حمایت های جدی برای برگشت به زندگی مسالمت آمیز نیاز دارند. یک برنامه جامع تحول منازعه باید برای تطبیق توافقنامه صلح در این راستا طرح میگردید.

عموماً با تطبیق پروسه طوری برخورد صورت گرفت که گویا یک پروسه علميیاتی بوده و یک پروسه تخنیکي تحول منازعه نمی باشد. همکاران بین المللی دولت افغانستان از تمام پروسه تطبیق فاصله گرفته و هیچگاهی خود را دخیل پروسه ندانستند. به استثنای اتحادیه اروپا، هیچ تمویل کننده دیگر علاقمندی حمایت این پروسه را نشان ندادند. باوجود اینکه اتحادیه اروپا وجوه مالی را برای تطبیق برنامه ها از طریق یک مؤسسه تطبیق کننده اختصاص داد اما ۱۸ ماه زمان گرفت تا این برنامه محدود و کوچک آغاز گردد.

سطح رهبری حزب اسلامی در اوایل تعهد کرده بودند که در پروسه صلح با طالبان که در مناطق مختلف مصروف جنگ با دولت افغانستان هستند، نقش مثبتی را ایفا خواهند نمود. رهبران سطح متوسط حزب اسلامی ادعا نموده بودند که آنها از طریق تماس ها و کانالهای ارتباطی با رهبران سطح متوسط طالبان زمینه تسهیل روند صلح را فراهم خواهند کرد، اما چون این رهبران در پروسه صلح عملاً دخیل ساخته نشدند، سهم ممکنه شان در پروسه صلح نیز در نظر گرفته نشد.

عدم موجودیت حمایت تخنیکي همکاران بین المللی و نبود برنامه های تمویل برای تحول منازعه و تدابیر مربوطه آن باعث گردید که توافقنامه صلح منجر به نتایج متوقعه نگردد. باوجود اینکه در واقعیت امر پایان دادن مؤفقتانه پروسه صلح و مصالحه با حزب اسلامی از اهداف استراتژیک شمرده میشدند، اما در کل به آن توجه کمتر میزول گردید.

6 نتیجه گیری

امضای توافقنامه صلح میان حکومت افغانستان و حزب اسلامی یک واقعه مهم در تاریخ منازعه افغانستان میباشد. منحصراً اولین تجربه مذاکرات دولت افغانستان، فعالین صلح و متخصصین افغانی مدیریت منازعات باید تمام پروسه را مورد غور و بررسی قرار داده و باید روی نقاط قوت و ضعف آن روشنی ببینند. ضمناً بسیار مهم است تا تجارب و آموخته های این پروسه یادداشت و در چنین پروسه ها در آینده از آن استفاده بعمل آید.

توافق صلح و مصالحه میان دولت افغانستان و حزب اسلامی ثمره تلاشهای دقیق و صادقانه اشخاص و افراد مشخص از هر دو طرف بوده است. این توافق پیام نیرومندی را به تمام گروه های مخالف مسلح که مصروف جنگ با دولت هستند، میرساند که رئیس جمهور افغانستان در آوردن صلح و مذاکرات با مخالفین مسلح نظام جدأ علاقمند است. رهبری سیاسی افغانستان نیز آرزوی خویش را مبنی بر پیوستن تمام مخالفین مسلح به روند سیاسی ابراز نمودند.

پروسه صلح با حزب اسلامی در کابل به صورت مکمل به رهبری و مالکیت افغانها در حالیکه تمام شرکا و همکاران در سراسر پروسه در آن به نحوی از انحا دخیل بودند، انجام یافت. عدم موجودیت آمادگی ها و ظرفیت لازم اما پروسه را نظر به زمان متوقعه بطی تر ساخت و در عین حال عدم حضور متخصصین تخنیکی سبب گردید تا توافقنامه صلح با داشتن نقایص بزرگتری نهایی گردد.

دولت افغانستان، شورای عالی صلح و حزب اسلامی در تطبیق توافقنامه صلح با هم همکاری نزدیک داشتند. باوجود اینکه در زمینه بطی بودن تطبیق توافقنامه اختلافاتی وجود داشتند، اما دو سال بعد از امضای این توافقنامه تمام اطراف دخیل به این توافق پایند هستند. ضمناً با در نظر داشت نبود یک برنامه جامع تطبیقی، این توافقنامه نتوانسته است بر اصول تحول منازعه حرکت کند. تطبیق توافقنامه صرفاً در سطح اجرائی و عملیاتی مدیریت گردیده است.

پروسه صلح با توقعات مشخصی آغاز گردیده بود: دولت افغانستان میخواست با حزب اسلامی به راه حل سیاسی رسیده و از این طریق اراده خویش را برای گروه های دیگر مخالف مسلح ابراز نماید که در پروسه صلح جدی بوده و میخواهد منازعه جاری را از طریق سیاسی حل نماید. حزب اسلامی نیز میخواست به سطح ملی وارد پروسه سیاسی گردیده و به خواسته های طرفداران خویش مبنی بر پیوستن به پروسه صلح پاسخ مثبت بدهد. پس با توافق بر پروسه صلح هر دو جناح به اهداف خویش نیل یافتند. حزب اسلامی در حال حاضر فعالانه در سیاست افغانستان دخیل بوده و دولت افغانستان توافق صلح با این گروه را مظهر اراده خویش برای صلح و راه حل سیاسی منحصراً شواهد مستدل بیان میدارد. اما فراهم نمودن قناعت سائر گروه های مخالف مسلح که به میز مذاکره حاضر شده و اینکه منازعه افغانستان باید بالاخره از طریق سیاسی و مسالمت آمیز حل گردد، مستلزم آگاهی عامه و راه اندازی برنامه های وسیع و جامع ارتباطات استراتژیک میباشد که فعلاً چنین برنامه ها وجود ندارند. در حقیقت توافق صلح با حزب اسلامی بالای طرز دید سائر مخالفین مسلح به شمول طالبان در مورد مصالحه هیچگونه تأثیر قابل ملاحظه نداشته است (سیگار ۲۰۱۸). پس به این مفهوم که حزب اسلامی و دولت افغانستان اهداف خویش را از مصالحه بدست آورده اما بعضی از اعضای نخبگان سیاسی و مردم عام به این پروسه دیگر اعتماد ندارند به استراتژی های مؤثر روابط عامه نیاز است تا توقعات مردم را مدیریت کرده اعتماد تمام اقشار جامعه را در مورد پروسه صلح جلب نماید.

تجارب بدست آمده (آموخته ها)

- ≡ دولت افغانستان و متحدین بین المللی آن در اوایل به از بین بردن کامل طالبان از صحنه جنگ تمرکز داشتند. بعد از سقوط رژیم طالبان، اداره جدید در کابل و متحدین آن کاملاً از پیچیدگی های جیوپولیتیکی منطقه و ظهور دوباره طالبان اغماض نموده بودند. به همین دلیل طالبان توانستند دوباره منابع خود را بسیج و فعالیت جنگی خویش را دوباره آغاز نمایند. موضوع مهمی را که از این تجربه میتوان آموخت اینست که تلاشهای نظامی برای از بین بردن مخالفین مسلح باید با برنامه های دیگری توأم شوند تا زمینه تحول و پیوستن به حیات سیاسی برای مخالفین مسلح فراهم گردد.
- ≡ حکومت وحدت ملی به رهبری محمد اشرف غنی مذاکرات صلح را با گروهی آغاز کرد که در میان سائر گروه های که با این دولت در مخالفت مسلحانه قرار دارند، بیشتر علاقمند واردن شدن به پروسه صلح با دولت افغانستان بود. باوجود اینکه طالبان طرف اصلی پیشنهاد صلح اند، در یک منازعه مغلوق چون منازعه افغانستان از هر فرصتی باید استفاده شود تا پیام سیاسی، اراده و حسن نیت به تمام گروه ها رسانیده شود.
- ≡ حکومت ها اداراتی اند که مسؤلیت تأمین امنیت و ثبات را بعهده دارند. فلذا وظیفه دولت افغانستان نیز اینست که برای اعتماد سازی با مخالفین مسلح اقدامات مستحکم بردارد. زیرا در منازعات غیرمتناظر، گروه های مسلح همواره مشکوک و متردد میباشند، بناً با اقدامات لازم ممکن نگرانی های گروه های مسلح تاحدی درک و مرفوع گردند. با یک اقدام شجاعانه، اداره رئیس جمهور غنی طرفداران صلح در حزب اسلامی را تشویق نمود تا به صورت آشکار برای صلح و مصالحه در داخل گروه مذکور برای صلح دادخواهی کرده و از تلاشهای صلح حمایت نمایند.
- ≡ کشورهای در حال منازعه باید برای تمام مراحل تحول منازعه از صلح سازی الی اعمار صلح- آمادگی کافی داشته باشند. این آمادگی ها شامل تقویت ظرفیتهای کسانی است که در مراحل مختلفه حل منازعه به صورت مؤثر دخیل میگردند. پروسه های مدیریت و تحول منازعه اکثراً غیر قابل پیشبینی بوده و بعضی از پلان های از قبل ساخته شده ممکن به انقضای زمانی مواجه گردند، فلذا باید همواره آماده بود تا به صورت ناگهانی به شرایط غیرمترقبه مواجه نشد.
- ≡ قبل از ورود به مذاکرات صلح، نهایت ضروری است تا در مورد اهداف مذاکرات و حدود و ثغور سازش به یک اجماع ملی رسید. تلاش برای ایجاد اجماع در هر مرحله مذاکراتی بسیار زمانگیر و خسته کننده میباشد. به هر اندازه بی که مذاکرات طولانی شود به همان اندازه مخربین بیشتر برای مختل کردن پروسه به مداخلات خویش میپردازند.
- ≡ تیم مذاکراتی باید دارای دیدگاه واحد در مورد پروسه صلح بوده تا به صورت مؤثر و مفید مذاکرات را انجام دهد. تمام مذاکره کننده گان باید باهم همنظر بوده و هدف یا اجندای واحد را تعقیب نماید.
- ≡ در مذاکرات صلح باید همواره طرف ثالث موجود باشد که قابل احترام و قابل اعتماد طرفین مذاکره باشد. این فرد (حتمی نیست شخص خارجی باشد و در حقیقت اگر داخلی باشد، مانند مقام دولتی اسبق، عالم دین و یا رهبر روحانی) باید از پروسه صلح کاملاً آگاهی داشته و باید زمانی داخل اقدام شود که مذاکره کننده گان در بحثهای خویش به بُنبست برسند.
- ≡ باوجود اینکه تقریباً تمام پروسه های صلح و مصالحه توسط سیاسیون و یا قوماندانان نظامی رهبری میشوند، اما باید به اشخاص تخنیکی که در مورد پروسه صلح و مصالحه دانش کافی داشته و با موضوعات حقوقی و اداری در محل منازعه معلومات دارند، نیز سهم داده شود تا در پروسه مذاکراتی اشتراک کنند. اشخاص اهل خیره تخنیکی اطمینان حاصل مینماید تا موضوعاتی در توافقنامه صلح مد نظر گرفته شوند که در آینده از منازعات در مورد آن جلوگیری بعمل آید. اشخاصیکه

در مورد تحول منازعه و پروسه های مذاکرات معلومات دارند، میتوانند نقش اساسی و مثبتی را در بخشهای از توافقنامه ها چون ضرورت تضمین کننده گان، نهادهای نظارت کننده و میکانیزم های حل اختلافات آینده ایفا نمایند.

≡ باوجود اینکه دولت افغانستان، شورای عالی صلح و حزب اسلامی مؤفقانه توافق صلح را امضا کردند، اما آمار و احصائیه های بین المللی نشان میدهند که ۵۰٪ از پروسه های صلح بعد از امضای توافقنامه به شکست مواجه میشوند (پاریس ۲۰۰۴). پروسه صلح باید همواره درجنب توافقنامه برنامه عملی تطبیقی خویش را داشته باشد تا موفقیت آنرا در ساحه تطبیق تضمین نماید.

≡ در تمام جریان پروسه صلح، راه اندازی برنامه های آگاهی عامه و روابط استراتژیک برای جلب اعتماد و حمایت مردم از پروسه صلح، مدیریت توقعات و توضیح نتایج متوقعه یک توافقنامه صلح، نهایت ضروری میباشد. برنامه های آگاهی عامه و روابط استراتژیک نقش مرکزی را در پروسه صلح و مصالحه بازی میکند. در پروسه صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلامی این بخش طوریکه لازم بود وجود نداشت.

مآخذها و منابع

- Bird, Tim and Alex, Marshall** (2011). *Afghanistan-How the West Lost Its Way*. Cornwall, TJ International Ltd.
- Clinton, Hillary Rodham** (2014). *Hard Choices*. London, Simon & Schuster UK Ltd.
- Coll, Steve** (2004). *Ghost Wars: The Secret History of the CIA, Afghanistan, and Bin Laden, from the Soviet Invasion to September 10, 2001*. London, Penguin Books.
- Coll, Steve** (2018). *Directorate S. The C.I.A. and America's Secret Wars in Afghanistan and Pakistan*. New York, Penguin.
- Derksen, Deedee** (2018). *Hezb-e-Islami, Peace and Integration into the Afghan Security Forces*. Washington, United States Institute of Peace.
- Giustozzi, Antonio and Ibrahimi, Niamatullah** (2010). *Thirty Years of Conflict: Drivers of Anti-Government Mobilisation in Afghanistan*. Kabul, Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Johnson, Casey Garret** (2018). *The Political Deal With Hizb-e-Islami. What It Means for Talks with the Taliban and Peace in Afghanistan*. Washington, United States Institute of Peace.
- Kabul International Conference on Afghanistan** (2010). Kabul Conference Communiqué. Available at: www.unodc.org/documents/afghanistan/Kabul_Conference/FINAL_Kabul_Conference_Communique.pdf
- Karzai, Hamid** (2009), H.E. President Hamid Karzai's Inaugural Speech. Available at: www.journalofdemocracy.org/articles-files/gratis/Documents-Karzai-Speech-16-1.pdf
- Paris, Roland** (2004). *At War's End: Building Peace After Civil Conflict*. Cambridge University Press.
- Permanent Mission of the Islamic Republic of Afghanistan to the United Nations New York** (2010). The Resolution Adopted at the Conclusion of the National Consultative Peace Jirga. Available at: <http://afghanistan-un.org/2010/06/the-resolution-adopted-at-the-conclusion-of-the-national-consultative-peace-jirga/>
- Rashid, Ahmed** (2010). Taliban. *The Power of Militant Islam in Afghanistan*. New York, I. B. Tauris & Co Ltd.
- Shinn, James and Dobbins, James** (2011). *Afghan Peace Talks A Premier*. RAND Corporation. Available at: www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2011/RAND_MG1131.pdf
- SIGAR** (2018). 40th Quarterly Report to the United States Congress. Available at: www.sigar.mil/pdf/quarterlyreports/2018-07-30qr.pdf
- UN Security Council** (2012). Letter dated 31 December 2012 from the Chair of the Security Council Committee established pursuant to resolution 1988 (2011) addressed to the President of the Security Council. Analytical Support and Sanctions Monitoring Team. New York: UN Security Council. Available at: www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7b65BF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7d/s_2012_971.

مصاحبه شونده گان²

اسم	وظیفه	اداره مربوطه	تاریخ مصاحبه
مولوی عطا الرحمن سلیم	معاون شورای عالی صلح و رئیس هیئت مذاکره کننده شورای عالی صلح	شورای عالی صلح	۲۸ جولای ۲۰۱۸
عتیق الله صافی	عضو تیم مذاکراتی حزب اسلامی افغانستان	حزب اسلامی	۲۱ جولای ۲۰۱۸
فرهادالله فرهاد	معاون دارالانشای شورای عالی صلح	دارالانشای شورای عالی صلح	۳۰ جولای ۲۰۱۸
فرانز مایکل میلیبن	سفیر اتحادیه اروپا در افغانستان	اتحادیه اروپا	۸ اگست ۲۰۱۸ از طریق ایمیل
غیرت بهیر	عضو تیم مذاکرات حزب اسلامی	حزب اسلامی	۱۵ اگست ۲۰۱۸
گریم سمیت	دیپلمات غربی	موقف خویش را واضح نداشت	۷ نومبر سال ۲۰۱۷، از طریق ایمیل
حبیبه سرابی	معاون شورای عالی صلح و عضو تیم مذاکره کننده	شورای عالی صلح	۲۲ جون سال ۲۰۱۸
حسینه صافی	رئیس شبکه زنان افغان و عضو شورای عالی صلح	شبکه زنان افغان	۱۲ سپتمبر ۲۰۱۸
لوسی پریکنس	آفسر امور سیاسی	یوناما	۳۰ اکتوبر ۲۰۱۸
محمد ایوب رفیقی	رئیس دارالانشای شورای عالی صلح و عضو هیئت مذاکره کننده	دارالانشای شورای عالی صلح	۵ اگست سال ۲۰۱۸
محمد اکرم خپلواک	رئیس کمیسیون مشترک تطبیق توافقنامه صلح با حزب اسلامی و نماینده خاص رئیس جمهور در امور سیاسی	دارالانشای پروسه صلح	۱۲ سپتمبر سال ۲۰۱۸
محمد کریم امین	رئیس هیئت مذاکره کننده	حزب اسلامی	۲۹ جولای ۲۰۱۸
قاضی عبدالحکیم حکیم	معاون حزب اسلامی	حزب اسلامی	۲۸ جولای ۲۰۱۸
شاه محمود میاخیل	رئیس نمایندگی افغانستان	انستیتوت صلح آیالات متحده	۲۳ اکتوبر ۲۰۱۸
وحیدالله سباوون	رهبر حزب متحد اسلامی و مشاور رئیس جمهور در امور قبایل) رهبر ارشد حزب اسلامی در سابق)	حزب متحد اسلامی	۲۲ جولای ۲۰۱۸
ولی احمدزی	مشاور سیاسی	اتحادیه اروپا	۲۳ جولای ۲۰۱۸
وژمه فروع	فعال حقوق زن) جامعه مدنی)	جامعه مدنی	۶ اگست ۲۰۱۸ از طریق ایمیل

ضمیمه اول: متن توافقنامه دولت جمهوری اسلامی افغانستان با حزب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وعلى آله واصحابه اجمعين

موافقتنامه دولت جمهوری اسلامی افغانستان با حزب اسلامی افغانستان که با مدیریت و وساطت

شورای عالی صلح تحقق یافته است

۱ میزان سال ۱۳۹۵

از آنجائیکه خاتمه عاجل جنگ، استقرار صلح پایدار، تامین امنیت و عدالت در افغانستان از خواسته‌های اساسی ملت بوده و متضمن استقلال و ترقی کشور می باشد، مسئولیت فرد فرد این کشور و تمامی اقشار سیاسی مطرح در قضایای کشور است تا دست به هم داده و در راه تحقق این اهداف مشترکاً کار نمایند.

درک وضعیت کنونی در کشور ایجاب می نماید تا عامل جنگ تحمیلی، بی ثباتی، بی امنی ها و بی عدالتی های از میان برداشته شوند و با هر آنچه وحدت ملی، استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور را تهدید کند، مشترکاً مبارزه صورت گیرد. نظام در خدمت مردم و مورد حمایت شان قرار داشته باشد، قانون اساس کشور و تمامی ارزش های اسلامی و ملی از سوی تمام نهادهای سیاسی و اجتماعی محترم شمرده شود.

با توجه به این اهداف، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حزب اسلامی بر مواد ذیل به توافق رسیده اند.

فصل اول

اصول اساسی

ماده اول:

دو طرف با ایمان مستحکم و تزلزل ناپذیر به الله متعال و اعتقاد راسخ به دین مقدس اسلام، خود را به پیروی بلاقید و شرط از اساسات و الای این دین مکلف دانسته و آن را نصب العین خویش قرار می دهند.

ماده دوم:

دو طرف معتقد اند که اصول و رهنمودهای دینی پایه اصلی تمام قوانین و اجرات دولتی خواهد بود، همانگونه که ماده های دوم و سوم قانون اساسی کشور نیز بر آن تاکید دارد که دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان دین مقدس اسلام بوده و در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده سوم:

طرفین باور دارند که احاد ملت در برابر قانون مسوولیت داشته و قانون ضامن تأمین حقوق هر تبعه افغانستان چه مرد و چه زن بوده؛ افغانستان واحد و یک پارچه به همه اقوام و مردم غیور این سرزمین تعلق داشته و حاکمیت ملی حق مسلم ملت می باشد که آن را به طور مستقیم و یا توسط نمایندگان منتخب خویش اعمال می نماید.

ماده چهارم:

در حالی که تحکیم حاکمیت ملی و تأمین منافع علیایی کشور هدف مشترک دو طرف است و هر دو طرف باور دارند که افغان ها می توانند از طریق این وحدت و همبستگی، بحران ناشی از جنگ را مهار و با تهدیدها مقابله نمایند اما در رابطه به خروج

نیروهای نظامی خارجی دو طرف دیده خود را دارند. در حالی که دو طرف به تعهدات خویش در این موافقتنامه و اصول مندرج آن التزام کامل دارند، حزب اسلامی افغانستان خواهان تقسیم اوقات معقول برای خروج قوای خارجی می‌باشد.

فصل دوم

تعهدات جانبین

بخش اول: تعهدات جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان

ماده پنجم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان تضمین می‌کند که متصل با امضای این موافقتنامه، از شورای امنیت سازمان ملل متحد و تمامی دول و نهادهای ذیربط، به خاطر قطع دائمی جنگ و برقراری صلح و امنیت پایدار در افغانستان، تمام تحریم‌های در مورد حزب اسلامی افغانستان، رهبری و اعضای آن وضع گردیده در اسرع وقت برداشته شوند، همچنان دولت افغانستان مکلف است تا در این راستا با استفاده از تمامی امکانات تلاش‌های همه جانبه را بخرچ دهد تا هر نوع تعزیرات موجود بالای رهبر و اعضای حزب اسلامی در اسرع وقت از میان برداشته شود.

ماده ششم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان همزمان با امضای این موافقتنامه رسماً اعلام می‌دارد که رهبر محترم حزب اسلامی افغانستان و دیگر شخصیت‌های برجسته آن می‌توانند در هر جای از این کشور که خواسته باشند در مطابقت به قوانین کشور آزادانه زندگی نمایند و دولت جمهوری اسلامی افغانستان خود را مکلف به تامین شرایط لازم و مساعد باری تحقق این مامل می‌داند.

ماده هفتم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد که رسماً اعلام نماید که حق فعالیت سیاسی حزب اسلامی را در تمامی ابعاد سیاسی و اجتماعی در مطابقت در پر تو قانون اساسی کشور به رسمیت شناخته و در تحقق آن همکاری همه جانبه نموده و حزب اسلامی می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری، پالمانی و ولایتی، ولسوالی‌ها و شاروالی‌ها اشتراک نموده و نامزد داشته باشد.

ماده هشتم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد تا در مشوره با نهاد های سیاسی، مدنی و دولتی کشور زمینه را جهت اصلاح بیشتر روند انتخابات آماده ساخته و طرح‌های مشخص را در زمینه ارایه نماید.

همچنین دولت متعهد می‌گردد که زمینه را برای حضور حزب اسلامی افغانستان در روند اصلاحات نظام انتخاباتی فراهم سازد. دولت در مشوره با تمام نهاد های ذیربط متعهد به تعدیل نظام انتخاباتی مبتنی بر نظام انتخاباتی متناسب حزبی می‌باشد. همچنان در ساختار های انتخاباتی حضور حزب اسلامی افغانستان در مطابقت با قانون چون بقیه احزاب سیاسی می‌باشد. تفصیل و چگونگی تحقق این ماده به کمیسیون مشترک و در نهایت امر به جلسه و توافق رهبری دولت و حزب اسلامی محول می‌گردد.

ماده نهم:

رهبر جهادی افغانستان محترم گلبدین حکمتیار از طرف رییس جمهور اسلامی افغانستان طی فرمانی خاص بخاطر تامین صلح در کشور و تلاش‌های‌شان برای آزادی افغانستان مورد اعزاز و احترام خاص قرار می‌گیرد. چگونگی پرتوکول این مامل از طرف شورای عالی صلح در تفاهم به هیئت حزب اسلامی به مقام ریاست جمهوری پیشنهاد می‌گردد.

ماده دهم:

رهبر حزب اسلامی می‌تواند دو یا سه محل مناسب را برای اقامت خویش در افغانستان انتخاب نموده و دولت تدابیر لازم امنیتی و هزینه معقول را برای‌شان فراهم می‌سازد. چگونگی جزئیات تدابیر لازم توسط کمیسیون مشترک اجرایی می‌باشد که برای تطبیق این موافقتنامه ایجاد می‌گردد، تنظیم خواهد شد.

ماده یازدهم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصونیت قضایی رهبر و اعضای حزب اسلامی را در رابطه با اقدامات سیاسی و نظامی گذشته، با امضا و در مطابقت با این موافقتنامه تضمین می‌نماید.

همچنان دولت اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد که زندانیان و اسرای مربوط به حزب اسلامی افغانستان به دلایل فعالیت‌های سیاسی و نظامی زندانی شده‌اند و دعوی حق العبدی علیه‌شان وجود نداشته باشد، به‌رویت لست توافق شده در کمیسیون اجرایی از طریق کمیسیون خاص عدلی با عضویت نماینده حزب اسلامی به زودترین فرصت ممکن که بیشتر از دو ماه نباشد رها سازد. حزب اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد تا افراد رها شده حزب اسلامی، به میدان جنگ علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان نرفته و به هیچ گروه مسلح غیرقانونی و تروریستی نپیوندند. نظارت برین روند و حل و فصل هر نوع اختلاف در این رابطه به کمیسیون مشترک اجرائیوی با حسن نیت راجع می‌گردد.

ماده دوازدهم:

به منظور استحکام هر چه بیشتر حکومت وحدت ملی و جهت ایجاد فضای اعتماد میان دولت و حزب اسلامی افغانستان، رهبری دولت جمهوری افغانستان متعهد می‌گردد که حضور رهبری حزب اسلامی افغانستان را در روند مشورتی برای تنظیم و تحقق سیاست‌های مهم دولتی و کشوری تأمین نماید.

ماده سیزدهم:

دولت جمهوری افغانستان خود را موظف می‌داند تا شرایط لازم را برای حضور و مشارکت حزب اسلامی افغانستان در نهادهای دولتی در مطابقت با قانون فراهم سازد. چگونگی چهارچوب مناسب و قابل قبول برای تحقق این مامول از سوی کمیسیون اجراییوی مشخص و جهت تصمیم نهایی به جلسه رهبری دولت و رهبری حزب اسلامی افغانستان محول می‌گردد.

ماده چهاردهم:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد تا در مطابقت با قانون، افراد و قوماندانان واجد شرایط حزب اسلامی افغانستان را که علاقمند به خدمت باشند جذب نیروهای دفاعی و امنیتی کشور نماید.

همچنان جمهوری اسلامی افغانستان متعهد است تا زمینه ادغام قانونی با عزت، مصئون و پایدارشان را در جامعه تأمین نماید. چگونگی تحقق این ماده از طریق کمیسیون مشترک اجرائیوی تنظیم می‌گردد.

ماده پانزدهم:

دوره انفصال آنعده از مامورین و افسران حزب اسلامی افغانستان که قبلاً در ادارات دولتی خدمت نموده و منفصل شده‌اند، در صورتی که بتوانند اسناد قانونی و یا اثباتیه ارایه نمایند در مطابقت با قانون به دوره خدمت آن‌ها محسوب شده و جذب مجدد و یا تقاعد آن‌ها بر اساس شرایط قانونی صورت می‌گیرد.

ماده شانزدهم:

دولت جمهوری افغانستان متعهد می‌گردد تا برای حل مشکلات مهاجرین کمپ نصرت مینه و سایر مهاجرین افغان مقیم پاکستان و ایران و بازگشت داوطلبانه، با عزت و پایدارشان به وطن اقدامات همه جانبه را به شمول تهیه زمین برای سرپناه با امکانات لازم در کابل و سایر ولایات کشور روی دست گیرد. درین راستا، دولت جمهوری افغانستان متعهد می‌گردد تا در گام نخست زمینه عملی عودت داوطلبانه در حدود بیست هزار خانواده مهاجر را به کمک جامعه جهانی بین الملل مساعد سازد. همچنان دولت جمهوری افغانستان در جهت رسیدگی به بازماندگان شهدا و معلولین حزب اسلامی افغانستان مانند سایر شهدا و معلولین کشور اقدامات لازم را روی دست می‌گیرد. چگونگی اعمال این برنامه توسط کمیسیون مشترک اجرائیوی تثبت و تنظیم خواهد شد.

ماده هفدهم:

برگشت آن‌عه از شخصیت‌ها و منسوبین حزب اسلامی که در خارج از کشور زندگی می‌نمایند در مطابقت با این موافقتنامه صورت می‌گیرد.

بخش دوم تعهدات حزب اسلامی افغانستان

ماده هجدهم:

بعد از اعلان رسمی این موافقتنامه از سوی شورای عالی صلح و دولت جمهوری اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان رسماً اعلام می‌نماید که بخاطر مصالح علیای کشور و قطع دایمی جنگ و خشونت و تامین صلح پایدار به عنوان حزب مهم سیاسی در کشور فعالیت نموده، قانون اساسی کشور را رعایت، آتش بس دایمی را برقرار و هر نوع تحریکات نظامی‌اش را متوقف در مطابقت با پلان و جدول زمانی کمیسیون مشترک اجرایی و به اساس معلوماتی که بعد از امضای این سند از سوی حزب اسلامی افغانستان ارایه می‌گردد، تشکیلات نظامی خویش را منحل می‌سازد. همچنان حزب اسلامی افغانستان متعهد می‌گردد تا آن‌عه اسرای که در قید اسارت‌شان بسر می‌برند را با امضای این موافقتنامه به اسرع وقت رها تسلیم دولت افغانستان نمایند. دولت جمهوری افغانستان تدابیر لازم را برای امنیت افراد حزب اسلامی افغانستان روی دست می‌گیرد.

ماده نوزدهم:

حزب اسلامی افغانستان متعهد است که بعد از امضای این توافقنامه اعلان نماید که هیچ‌گونه رابطه با گروه‌های تروریستی و سازمان‌های مسلح غیرقانونی برقرار ننموده و از ایشان حمایت نمی‌کند.

ماده بیستم:

حزب اسلامی افغانستان خود را متعهد می‌داند تا به عنوان یک حزب سیاسی در امر دفاع و تامین امنیت پایدار در سراسر کشور با دولت متحدانه همکاری نموده و به عنوان یک حزب رسمی سیاسی دفاتر خود را در مرکز و ولایات فعال می‌سازد.

ماده بیست و یکم:

حزب اسلامی افغانستان آمادگی کامل دارد تا با درک مسولیت‌های دینی و تاریخی‌اش در جهت تامین صلح و ثبات دایمی در افغانستان تلاش کند و در این راستا از تلاش‌های دولت جمهوری اسلامی افغانستان حمایت نماید.

فصل سوم

متفرقه

ماده بیست و دوم:

این موافقتنامه به حیث سند معتبر رسمی بین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حزب اسلامی افغانستان با مدیریت و ساطت شورای عالی صلح افغانستان از تاریخ امضاء آن دارای اعتبار بوده و قابل اجرا می‌باشد. هر تغییری که بعد از امضای این سند توسط یک از طرفین تقاضا می‌شود باید به شکل کتبی و بعد از موافقت هر دو طرف وارد این سند گردد.

ماده بیست سوم:

به منظور نظارت و تحقق همه جانبه این موافقتنامه، هر دو جانب به ایجاد یک کمیسیون مشترک اجرایی که از نمایندگان با صلاحیت‌شان تشکیل می‌گردد، موافقت می‌نمایند. کمیسیون یاد شده در هماهنگی با شورای عالی صلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد.

ماده بیست و چهارم:

در صورت بروز هر نوع اختلاف ممکن در تطبیق این موافقتنامه طرفین اختلاف مذکور را از طریق مشورت و مذاکره‌های دوستانه و با حسن نیت در کمیسیون مشترک که اعضای آن از جانب هر دو طرف تعیین می‌گردند حل می‌نمایند.

ماده بیست و پنجم:

این توافقنامه در سه فصل و بیست و پنج ماده به تاریخ (۱ میزان ۱۳۹۵) (۱۰ سپتمبر ۲۰۱۶) توسط طرفین به امضا رسید.

والله ولی التوفیق

رئیس هیئت شورای عالی صلح، مولوی عطاءالرحمان سلیم

رئیس هیئت حزب اسلامی افغانستان، مهندس محمد امین کریم

نماینده دولت جمهوری اسلامی افغانستان، محمد حنیف اتمر

رئیس شورای عالی صلح، پیر سید احمد گیلانی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان محمد اشرف غنی

امیر حزب اسلامی افغانستان، انجینر گلبدین حکمتیار